



در این نوشتار، ضمن اشاره به فروپاشی عقلانیت قدرت‌های غربی در انتقال دموکراسی، به اهداف دولت‌های غربی در حملات اخیر به سوریه پرداخته می‌شود.

مقدمه

بریتانیا، فرانسه و پادشاهی‌های خلیج فارس به رهبری آمریکا بعد از آنکه نتوانستند دموکراسی را به سوریه منتقل کنند، در آستانه بسیج نیرو برای حمله به این کشور هستند. جیدا کاران، استاد دانشگاه و نویسنده روزنامه جمهوریّت مقاله‌ای تحت عنوان قرن زوال عقل در روزنامه جمهوریّت منتشر کرده است. در این نوشتار، ضمن اشاره به فروپاشی عقلانیت قدرت‌های غربی در انتقال دموکراسی، به اهداف دولت‌های مختلف در حملات اخیر به سوریه پرداخته می‌شود.

شکست دموکراسی‌های غربی؛ طرح انتقال دموکراسی

جیدا کاران نوشت: قدرت‌های امپریالیست غربی بعد از دو جنگ جهانی، نظام بین‌المللی را جویده و در حال پایان دادن به آن می‌باشند. این نظام بین‌المللی، علی‌رغم آنکه نتوانست عدالت برقرار کند، اما نظمی به نظام بین‌المللی داده بود. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که تنها تشکل تأمین و حفظ برادری ملت‌ها بود، نیروهای غیردولتی به کار گرفته شد و تلاش گردید مرزهای ملت-دولت‌ها در چارچوب ارزش‌های نو لیبرالی تغییر یابد. بر این پایه، همه مناطق جغرافیایی که مورد حمله این جریان قرار گرفت، به خون آغشته شد. تجزیه یوگسلاوی بر اساس قوم-نژاد نقطه آغاز سلطه این جریان بود. فدراسیون روسیه که وارث شوروی بود، درحالی که بر اساس کاپیتالیسم دولتی موجودیت خود را احیا می‌کرد، توسط ناتو مداوم جویده شد. به‌سختی می‌توان گفت انقلاب‌های رنگین در آن جغرافیا دموکراسی، صلح، رفاه و آرامش به وجود آورد. آن‌ها نتوانستند به مدل لیبرال دموکراسی غربی دست یابند. اکنون، در اروپای شرقی به علت عدم تفکر سیاسی و اقتصادی صحیح، پوپولیسم در حال اوج‌گیری است. درگیری‌ها در جغرافیای خاورمیانه از ۲۰ سال قبل تاکنون به روند عادی تبدیل شد. خاورمیانه با شرایط پیچیده، دارای منابع انرژی و خصومت‌های تاریخی در راستای بازسازی هویتی و تأسیس دولت-ملت به منطقه‌ای خونین و وحشیانه تبدیل شد، درب‌های این منطقه به روی حضور ناخواسته قدرت‌های رقیب گشوده شد و تمام محاسبات در خانه در صحنه عمل شکست خورد. مداخلات لیبرال‌محور برای بازسازی این منطقه مفاهیم قومی-نژادی، هویتی و مذهبی را به کاربرد. ساختار تفکر ذهنی را بر اساس گفتمان حقوق بشر بیگانه با مبارزات اجتماعی پاکسازی شده از سیاست تلقین و سامان‌دهی کرد. جورج بوش که بازیگر اصلی مداخله‌گری نئو لیبرال بود، برای مشروع جلوه دادن حمله نظامی و اشغال عراق، به ادعای دروغ سلاح‌های شیمیایی در این کشور متوسل شده و

رسانه‌ها را بسیج کرد، اما کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، در مقابل بوش مقاومت و بر حفظ صلح و برقراری توازن قوا تلاش کرد. در نتیجه، دیگر اجازه نداد که شخصیتی مانند کوفی عنان به دبیرکلی سازمان ملل متحد انتخاب شود. بعد از اشغال عراق معلوم شد که در این کشور سلاح شیمیایی وجود ندارد. بر این اساس، از تأسیس نظام دموکراسی و انشا ملت سخن گفته شد.

اکنون، اوضاع عراق و وضعیت مدعیان مشخص است. حال هم از بمباران و آغاز جنگ با سوریه سخن گفته می‌شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور دیوانه آمریکا و متحدانش بدون نیاز به اثبات دلیل یا تصویب پارلمان‌ها آماده آغاز جنگ هستند، زیرا در قرن زوال عقل قرار داریم، زیرا عقل لیبرال درباره معانی حمله و تهاجم، دفاع و دفاع مشروع، قدرت بازدارندگی، اینکه چه کسی مهاجم است و چرا حمله می‌کند، چه کسی از خود دفاع می‌نماید و دفاع مشروع چیست، سؤال و بازخواست نمی‌کند. عقل نئولیبرال تحت پوشش عینی بودن به راحتی در کنار مهاجم قرار می‌گیرد. در حال حاضر، با حاکمیت تفکر لیبرالی که دچار بیماری ناتوانی اقتداری شده و خود را آزادی‌خواه می‌داند، اما از عهده گرفتن مسئولیت فرار کرده و در عین حال، حرص مدیریت را دنبال می‌کند، روبرو هستیم.

نظام نئولیبرال در مرحله زنجیروار مداخله‌گری نظامی، به‌طور جدی، در آستانه فروپاشی هژمونی خود قرار گرفته و ادامه موجودیت نظام بین‌المللی را هم بر باد می‌دهد. در نتیجه، روند هر کسی قدرت دارد، برحق بوده، آغاز شده است. در این شرایط، به دنبال توسل به حقوق بین‌المللی و سازوکار تعادل‌بخش که ناعادلانه و غیرقابل قبول هم هست، هستیم. شاید قرن عقل جدیدی ظهور کند، ولی آن با عقل نئولیبرال و نظام فعلی نخواهد آمد. (۱)

سوریه؛ اهداف و نقش کشورهای مختلف

سوریه به صحنه حضور بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای با منافع متضاد و جبهه‌بندی‌های مختلف تبدیل شده است.

الف) آمریکا

آمریکا بعد از اشغال عراق، در سوریه نیز نقش فعالی دارد. آمریکا (ترامپ) مدعی است واشنگتن در ۱۷ سال اخیر در خاورمیانه ۷ تریلیون دلار برای عملیات نظامی هزینه کرده است. بر اساس ارقام و آمار رسمی، آمریکا در سوریه حدود ۲ هزار نیروی نظامی و ۱۵ پایگاه نظامی به‌خصوص در طبقه و التنف مستقر کرده است. آن کشور مدعی است دلیل استقرار نیروهای نظامی مبارزه با داعش است. ناوگان جنگی آمریکا در مدیترانه شرقی و پایگاه‌های نظامی هوایی آمریکا در ترکیه، اردن و عمان نیز در عملیات نظامی علیه سوریه به کار گرفته می‌شوند. آمریکا در مناطق نفت‌خیز سوریه از جمله دیرالزور و حومه آن مستقر شده و حامی اصلی تسلیحاتی و اطلاعاتی نیروهای دموکراتیک سوریه با محوریت حزب اتحاد

دموکراتیک و یگان‌های مدافع خلق است. آمریکا پیشتر در چارچوب طرح آموزش و تجهیز گروه‌های مسلح مخالف، ارتش آزاد سوریه را تحت آموزش قرار داده و تجهیز کرده است.

واشنگتن متهم بوده که روند سازمان‌دهی و تقویت گروه‌های داعش و جبهه النصره را نادیده گرفته است. حکومت ترامپ از یک‌سو، از طرح عقب‌نشینی از سوریه سخن می‌گوید و از سوی دیگر، با روسیه تنش بسیار شدیدی را دنبال کرده و رفتار متضادی را نشان می‌دهد. آمریکا و متحدانش از اینکه همه اراضی سوریه بار دیگر تحت حاکمیت شام (دمشق) قرار گیرد، ناخشنود می‌باشند. واشنگتن به دنبال تسلط بر منابع انرژی، خنثی کردن گسترش نفوذ و تسلط روزافزون روسیه در مدیترانه و منطقه، اعمال فشار و محدود کردن نفوذ ایران است. آمریکا و متحدان از اینکه روند مذاکرات آستانه و سوچی (با مشارکت ایران، ترکیه و روسیه) در جهت حل سیاسی بحران سوریه تحقق یابد، نگران می‌باشند. در نتیجه، واشنگتن تلاش می‌کند که ساختار سه‌گانه متشکل از کردها، نیروهای اسلام‌گرا و شام (دمشق) را در سوریه مستقر سازد. کاخ سفید که به علت حمایت از حزب اتحاد دموکراتیک و یگان‌های مدافع خلق با ترکیه دچار تنش شده، در چند مدت اخیر می‌کوشد از طریق کشورهای ناتو روابط خود با ترکیه را نرم‌تر کرده و از نزدیکی بیشتر آنکارا به مسکو پیشگیری کند؛ چنان‌که دیپلمات‌های آمریکا و ترکیه درباره تعیین نقشه راه پیرامون شمال سوریه (مکان استقرار نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک و نیروهای آمریکا در شرق فرات) کمیته مشترک تبادل نظر تشکیل داده‌اند.

(ب) فرانسه

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور جوان فرانسه، بار دیگر انگیزه‌های آزمندانه تاریخی و توسعه‌طلبانه این کشور در خاورمیانه را زنده کرده است. فرانسه که در اتحادیه اروپا شعله‌های آتش بحث و مناقشه را برافروخته و سیاستگذاری درباره پناهندگان را بر دوش آلمان انداخته، از متحدین فعال آمریکا در روند مبارزه با داعش در سوریه است. فرانسه در سوریه ۵ پایگاه نظامی و ۲۰۰ تا ۸۰۰ نظامی مستقر کرده است. همچنین، در مدیترانه شرقی و نزدیکی سواحل سوریه کشتی جنگی استقرار داده است. فرانسه در چند مدت اخیر عملیات فرادریایی خود را گسترش داده و روابط بسیار نزدیکی با عربستان سعودی و آمریکا برقرار کرده است. مکرون به ترامپ و دولت آمریکا که خواهان نابودی یا تجدیدنظر در قرارداد برجام است، چراغ سبز نشان می‌دهد.

(پ) بریتانیا

ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس، بعد از خروج لندن از اتحادیه اروپا (برگزیت) می‌کوشد دیگر بار در سیاست خاورمیانه نقش فعالی بر عهده گیرد. بریتانیا در ۲۰ سال اخیر از قدرت‌های پیشتاز دخالت نظامی در عراق و سوریه است. خروج از اتحادیه اروپا به رهبری آلمان و فرانسه باعث شد که بریتانیا در سیاست جهانی با خیال آسوده‌تری متحد با آمریکا عمل کند و در روند تحولات جهانی نقش فعالی بر عهده گیرد. حکومت ترزا می، بعد از وقوع چالش در سیاست داخلی و خارجی ناشی از خروج از اتحادیه اروپا، از بحران سرگئی اسکرپپال علیه روسیه بهره‌برداری کرده، حمایت کامل غرب را به دست آورده و

بحران‌های داخلی را تحت کنترل درآورده است. لندن از ابتدای جنگ سوریه، ارتش آزاد و گروه‌های اسلام‌گرا را تحت آموزش و حمایت مالی و تجهیزات نظامی -تسلیحاتی قرار داد. آن کشور با انجمن‌های غیرنظامی نزدیک به مخالفین مسلح سوریه نظیر انجمن دیدبان حقوق بشر سوریه (المرصد السوري لحقوق الإنسان) ارتباط بالایی دارد. بریتانیا که عضو ائتلاف بین‌المللی جنگ با داعش به رهبری آمریکا است، از پایگاه هوایی انگلیس در قبرس با هواپیماهای تورنادو در عملیات بمباران مواضع داعش شرکت می‌کرد.

ت) ترکیه

ترکیه میزبان بزرگترین موج پناهندگان سوری بعد از آغاز جنگ سوریه است. قبل از آغاز درگیری در سوریه، روابط آنکارا با شام دوستانه بود. ترکیه از ابتدای درگیری‌های سوریه به خصومت با حکومت شام پرداخت. آنکارا از ارتش آزاد سوریه حمایت می‌کرد. این کشور با مشارکت ارتش آزاد سوریه برای مبارزه با حزب اتحاد دموکراتیک و یگان‌های مدافع خلق عملیات‌های طرابلس (عملیات سپر فرات) و عفرین (شاخه زیتون) را آغاز کرد و در راستای پاکسازی آن‌ها از منطقه و استقرار گروه‌های اسلام‌گرا می‌کوشد منطقه حائل در شمال سوریه ایجاد کند. ترکیه ابتدا با آمریکا، غرب و کشورهای خلیج (فارس) در جبهه متحد علیه شام قرار داشت، ولی بعد از تقویت قدرت سیاسی کردها در جنگ کردها با داعش و حمایت آمریکا از حزب اتحاد دموکراتیک و یگان‌های مدافع خلق، روابط آنکارا با واشنگتن متشنج شد. روابط ترکیه با مسکو نیز متغیر بود، اما آنکارا در دوره اخیر برای برقراری آتش‌بس در سوریه به یکی از شرکای روند مذاکرات آستانه متشکل از ایران و روسیه تبدیل شد. ترکیه در روابط خود با غرب از برگ برنده امواج پناهندگان سوری بهره‌برداری کرد. از مهمترین عناصری که می‌تواند بین ترکیه و شرکای روند صلح آستانه تنش ایجاد کند، استقرار شدید گروه‌های جهادی در ادلب است. آنکارا که برای پایان درگیری در سوریه با روسیه همکاری می‌کند، درباره سرنوشت بشار اسد، سیاست کردی و حوادث غوطه با مسکو اختلاف نظر دارد.

ث) روسیه

روسیه از ۲۰۱۵ م وارد صحنه سوریه شد و مسیر جنگ را تغییر داد. روسیه با همراهی ایران، متحد اصلی و کلیدی حکومت شام (دمشق) است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، با انجام حملات مؤثر در سوریه، نقش مهمی در روند بازسازی کشور و بهره‌برداری متعاقب از منابع انرژی سوریه دارد. مسکو با ایجاد پایگاه‌هایی در سوریه حوزه نفوذ نظامی خود را گسترش داده و تقویت کرده است. روسیه که برای مشروعیت بخشیدن به حضور نظامی خود در سوریه از برگ مبارزه با جبهه النصره و داعش بهره‌برداری می‌کند، در این کشور حدود ۳ هزار نیروی نظامی دارد. فدراسیون روسیه در طرطوس پایگاه دریایی و در حمیمیم پایگاه هوایی در اختیار دارد. این کشور بعد از آنکه کنفرانس ژنو برای حل بحران سوریه به بن‌بست رسید، به روند مذاکرات سیاسی با برگزاری دیالوگ ملی سوریه در سوچی سرعت بخشید. بعد از الحاق شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه، روابط مسکو با غرب به شدت متشنج شده است. نقش روسیه با توجه به حضور تعداد زیادی بازیگران در سوریه با خطراتی روبرو است. کانون‌های تشنج در خاورمیانه که باعث تنش بوده، به‌طور طبیعی

روسیه را نیز تحت تأثیر قرار خواهند داد.

ج) اسرائیل

اسرائیل برای مقابله بانفوذ ایران در سوریه، در جنگ سوریه بی‌طرف نماند و از ۷ گروه جهادی فعال حمایت می‌کند. از نظر اسرائیل ادامه حاکمیت بشار اسد به علت حمایت از مقاومت فلسطین چندان قابل تحمل نیست. حضور فعال حزب‌الله لبنان که در جنگ ۲۰۰۷ م لبنان تلفات سنگینی بر تل‌آویو وارد کرد و حضور فعال نظامی ایران بنا به دعوت دمشق، اسرائیل را که خواهان ادامه کنترل بر تپه‌های جولان بوده، نگران کرده است. اسرائیل تحت رهبری نتانیاهاو بعد از ادعای حملات شیمیایی در دوما، به مواضع نظامی ایران در سوریه حمله کرد. نتانیاهاو، برای شکست نفوذ ایران در سوریه مذاکرات خود با عربستان سعودی و آمریکا را افزایش داده است.

چ) کشورهای عرب خلیج (فارس)

کشورهای عرب خلیج (فارس) بعد از آغاز درگیری در سوریه، از حامیان بسیار مهم جنگ نیابتی در این کشور بودند. امروز نیز نقش بزرگی در تشدید تنش در سوریه دارند. دوما که گفته می‌شود مورد حملات شیمیایی قرار گرفت، تحت تسلط جیش الاسلام وابسته به عربستان سعودی بود. ریاض با همراهی قطر و کویت از جبهه النصره، از شاخه‌های القاعده در سوریه و هیئت تحریر الشام مستقر در ادلب حمایت می‌کند. عربستان سعودی در دوره حاکمیت محمد بن سلمان که سیاست اسلام‌گرایی میانه‌رو را دنبال می‌کند و در کشورهای غرب به عنوان اصلاح‌طلب وانمود می‌شود، برای مقابله با ایران روابط حسنه‌ای را با اسرائیل آغاز کرده است. عربستان سعودی در یمن هم به حملات خود علیه حوثی‌های تحت حمایت ایران ادامه می‌دهد.

قطر تحت تحریم عربستان سعودی و امارات متحده عربی که پیش‌تاز تنش‌آفرینی مذهبی بوده، از گروه‌های مسلح احرار الشام و فیلق الرحمان حمایت می‌کند. ترامپ تلاش می‌دارد به تنش قطر با کشورهای دیگر خلیج پایان داده و آن‌ها را برای مقابله با ایران متحد کند. آمریکا، بریتانیا، فرانسه، عربستان سعودی، اردن و مصر برای پیشگیری از حاکم شدن حکومت شام بر همه مناطق سوریه و تحمیل ساختار چند پارچه بر سوریه، به مذاکرات همه‌جانبه ادامه می‌دهند. تعهدات مالی و خرید تسلیحاتی ولیعهد محمد بن سلمان در سفر به واشنگتن و فرانسه، به افزایش بحران سوریه منجر خواهد شد.

(۲)

سوریه به صحنه حضور بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای با منافع متضاد و جبهه‌بندی‌های مختلف تبدیل شده است. قدرت‌های بیگانه جنگ نیابتی در سوریه (آغاز یافته از ۲۰۱۱ م) را با به‌کارگیری عناصر داخلی و پرداخت پول و ارسال سلاح و امکانات بر دمشق تحمیل کردند. سوریه به صحنه درگیری و رقابت نیروهای نظامی و اطلاعاتی و عملیات توطئه آمیز تبدیل شده است. تعداد زیادی از قدرت‌های خارجی در راستای منافع و اهداف دوره‌ای و تاریخی تعداد زیادی اتحاد تأسیس و یا منحل کرده‌اند. برخی از قدرت‌ها نیز برای نجات از تنگناها در سیاست داخلی کشورشان، از بحران سوریه به عنوان صحنه بازی بهره‌برداری می‌کنند. بعضی هم در مناطق مختلف سوریه متحد شده یا از همدیگر جدا و در جبهه مقابل قرار می‌گیرند.

منابع

۱- //..//۹۵۷۴۱۹/..://

۲- //..//۹۵۷۳۷۴/..://